

## نقش ایران در مذاکرات صلح قره باغ/تحلیل

مناقشه قره باغ تنها در چارچوب مذاکرات و بر مبنای قواعد بین‌المللی قابل حل و فصل است.



آران نیوز/ دو کشور مسلمان و شیعه مذهب جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با تمام عوامل همگرایی و زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و جمعیتی، روابط متناسب با سطح مورد انتظار را دارا نمی‌باشند. در این بین در کنار عوامل گوناگونی که باعث ایجاد روابط پرفراز و نشیب و در مواقعی چالشی بین دو کشور همسایه شده است، مناقشه قره باغ و عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش محوری و بسیار عمیقی را در این بحران دارد که سمت و سوی روابط دوجانبه را تحت تاثیر مستقیم خود قرار داده است.

از دید جمهوری اسلامی ایران، ثبات منطقه که لازمه آن حل مناقشه های موجود و جلوگیری از بروز زمینه برای هرگونه مناقشه جدید است، صرفاً در چارچوب قواعد بین‌المللی و همکاری های منطقه ای میسر است. نمونه این وضعیت تلاش چندین ساله گروه مینسک برای حل مناقشه قره باغ است که تاکنون هیچگونه نتیجه عملی نداشته و فقط مذاکره برای مذاکره را در پی داشته است.

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای مهم منطقه ای است که همواره و در طول سال های درگیری در قره باغ نه تنها به عنوان بازیگری فعال، نقش آفرین و تعیین کننده، تأثیرات مثبت و مهمی بر روند مناقشه داشته همچنین خدمات قابل توجهی نیز در جهت حل و فصل مناقشه انجام داده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان يك کشور قدرتمند و تاثیرگذار در مسائل منطقه ای و بین‌المللی و همچنین با توجه به پیوندها و روابطی که با هر یک از طرفین درگیر در مناقشه قره باغ دارد، می تواند به عنوان میانجی در حل و فصل بحران نقش آفرینی کند. به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه طی سال های گذشته، در قبال مناقشه قره باغ، پیوسته سیاست مصالحه، تعادل و آشتی جویی بوده است و تهران تلاش کرده تا در سیاستگذاری های خود، سیاست متوازن سازی حل و فصل اختلافات کشورهای همجوار را دنبال کند.

جمهوری اسلامی نه تنها در حرف، بلکه در عمل نیز در پیشگیری از بروز مجدد عملیات جنگی در منطقه مناقشه سهم خود را ایفا کرده است. در واقع جمهوری اسلامی به این دلیل که منطقه مشترکات فرهنگی، مذهبی و زبانی دارد و منطقه به نوعی بخشی از تمدن ایرانی - اسلامی محسوب می شود، لذا تهران همواره با حساسیت به این منطقه نگرین و نگران تبعات آن بر همسایگانش بوده است.

نخستین میانجیگری مستمر میان طرفین درگیر در ماه می 1992 در تهران شکل گرفت که به بیانیه 7 می تهران معروف شد. ولی متأسفانه با کارشکنی روس ها با تحریک ارامنه قره باغ، این اقدام ایران به شکست انجامید. حتی تهران پس از انعقاد آتش بس در ماه می سال 1994 سعی کرد با مشخص کردن هر چه دقیق تر منافع خود، در روند حل و فصل اوضاع سهمی ایفا کند. ایران تا سال 1997 در این زمینه بسیار فعال بود و از طریق مجاری دیپلماتیک با روسیه و طرفین درگیری تعامل می کرد. بعد از آنکه در داخل سازمان امنیت و همکاری اروپا، نهاد رؤسای گروه مینسک با شرکت روسیه، ایالات متحده و فرانسه ایجاد شد، ابعاد فعالیت تهران در این زمینه تا حدود زیادی کاهش یافت. با این وجود در سال 2010، ایران دوباره میانجی گری خود را به جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان پیشنهاد کرد. بدون تردید، نوع نگاه و روش موجود بدون اشکال نبود و تمامی بازیگران را شامل نمی شد ولی این ابتکار دیپلماتیک حداقل نشان دهنده علاقه تهران برای حل مناقشه بدون جانبداری از طرفین بود. اوج فعالیت های ایران در مناقشه قره باغ در آوریل 2016 شکل گرفت که رایزنی های وزیر امور خارجه ایران با همپایان آذربایجانی و ترکیه ای در رامسر به تماس تلفنی میان وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان کشیده شد و سپس پس از ساعاتی به آتش بس انجامید که این موضوع به تنهایی کافی است تا به عمق نقش آفرینی ایران در قبال مناقشه قره باغ پی برد.

می توان به این استنباط رسید که سیاست ایران در قبال مناقشه قره باغ، حل و فصل این مناقشه در چارچوب قواعد بین‌المللی و براساس مذاکرات مسالمت آمیز دو طرف بوده و بر مبنای

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که اشغال 20 درصد از خاک آذربایجان توسط ارمنستان را تایید کرده‌اند، خواهان خروج نیروهای نظامی ارمنی از این مناطق بوده و تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت می‌شناسند.

علی جهانی

کارشناس مسائل قفقاز